

سلاسل تصوف

ایران

۲

برای اطلاع از میزان ونحوه نشر صفی سطور زیر از مقدمه دیوانش نقل قول
میگردد :

«بایران آمدم در آن اوقات مابین مشایخ این سلسله نزاع قطیبت سخت
برپا بود و این معنی با سلیقه و سبک فقیر موافق نمیبود میگفتم سند فقر ترک
هنگامه است نه کاغذ ارشادنامه جنگ و جدال رویه اهل قال است نه شیوه مشایخ
و رجال »

کیوان قزوینی می نویسد اگر صفی پسر صفی علیشاه (صاحب طرائق
الحقایق) را بجان نشینی خود منصوب می نمود . سلسله صفی تا کتون پا بر جا
میماند .

ظهیر الدوله درویشی رادست آویز نیات خاص خود از جمله آزادیخواهی
نمود و بهمین مناسبت در زمان استبداد صغیر بدستور محمدعلیشاه در اوقاتیکه
ظهیر الدوله در خارج از ایران بسر می برد انجمن اخوت و خانقاه مورد غارت
واقع گردید و چند تن از درویشان در این غائله جان سپردند .

یکی از افرادی که داعیه جانشینی صفی را نمود میرزا عبدالکریم فرزند حاجی فتح الله شیرازی ملقب به لقب معروف علیشاه و تخلص منصور بود که دیوان اشعارش نیز بطبع رسیده است که بعضی با اشعار منصور حلاج اشتباه نموده اند در صورتی که حلاج اساساً آثاری به فارسی از خود باقی نگذاشته است میرزا عبدالکریم بتجارت اسب در شیراز اشتغال داشت و منزلی در نزدیکی مسجد قاسم در محله سردرک اکتیاع نمود و آن خانه را خانقاه قرارداد و در زیر زمین آن مدفون گشت پس از وی قاسم توانگر شیرازی ملقب به نورعلی بجانشینی وی منصوب گشت توانگر ضمناً خود را از طرف رهبر علیشاه شیرازی سرسلسله دوره معصوم علیشاهی خاکسار مجاز به ارشاد میداند .

(سلسله خاکسار بچهار شعبه منقسم و از زمان سلطان حیدر پدرشاه اسمعیل صفوی بر پا گشته و در ایش خاکسار از اعمال امنیتی سلاطین صفوی بودند و کسی که در سلسله خاکسار بمقام ارشاد میرسد و با اصطلاح خود دارای چراغی می شود جوز را بیکی از دوازده طایفه اهل حق تسلیم نموده و بعبارت دیگر جوز را میشکند اما سلاسل نعمت اللهی در بدایت تشریف بقدر جوز را تقدیم مرشد میدارند)

فرد دیگری که پس از صفی مدعی جانشینی گردید حاج سید محمود خان نائینی (حیرت علیشاه) بود و چون مورد ایدای مریدان ظهیر الدوله قرار گرفت بکرمان رهسپار گشت و در سال ۱۳۱۸ هـ ق خرقه تهی نمود و در یکی از حجرات صحن مقبره شاه نعمت الله ولی در ماهان مدفون گردید پس از سید محمود خان میرامداد حسین هندی ساکن رشت و محمد حکیمیان (رحمت علیشاه) که پیشخدمت وزارت خارجه بود داعیه جانشینی نمودند . حکیمیان مردامی بود ولی عده کثیری از رجال وقت دل بدو سپرده و سر بر عتبه آستانش مینهادند غیر از این دو تن حاجی محمد ابراهیم نمازی (نیازعلی) که از مشایخ صفی نیز بود خود را جانشین بالاستحقاق سید محمود خان میدانست .

نمازی سالها در تحصیل اکسیر اوقات و سرمایه پدری را از دست داد

(در اصطلاح مشاقتی نقره سازی را قمری و طلا سازی را شمسی گویند وعده ای از اهل این فن علم اکسیر را برتر از پنجاه و دو علم از علوم غریبه می دانند) مرحوم نمازی در ۱۳۲۲ هـ ق در کرمان در گذشت و در جوار مقبره سید محمودخان مدفون گردید .

بعد از نمازی مرحوم حسن خاوری خراسانی فرزند حاجی ابراهیم معروف به حاجی داداش لقب طریقت منظور علی متخلص به ادیب در ۱۲۸۵ هـ ق در مشهد متولد گردید در لباس روحانیت بسر میبرد علوم غریبه را تدریس می نمود و از طریق رمالی و دعانویسی امرارمعاش مینمود و بتاریخ نوزدهم دیماه سال ۱۳۴۵ شمسی در گذشت دیوان اشعار و کتابی در باره رمل از او باقی مانده است بعد از ادیب شیخ باقر ساعدی (سعادت علی) که در ۱۳۰۹ شمسی در شهر مشهد متولد گردیده و از وعاظ خراسان میباشد رهبری پیروان مرحوم ادیب را بعهده گرفت و شبهای پنجشنبه جلسات قتری دایر می نماید.

علیخان قاجار قوانلو (مصباح الولاية) در ۱۷ ربیع الاول ۱۲۸۱ هـ ق در قصبه دراج شمیران متولد و در ۱۲۹۷ هـ ق دختر ناصرالدینشاه تومان آغا ملقبه به ملکه ایران را بهمسری برگزید و بنا بقول مشهور خاص و عام و مدد رکی که بیجا مانده بیجان نشینی صغی منصوب و بیش از دیگران ازعهده بر آمد از ظهیرالدوله سه دختر و سه پسر بیجا ماند:

۱- محمد ناصر صفا ملقب به ظهیرالسلطان.

۲- ناصرقلی صفا ملقب به ظهیرحضور.

۳- ناصرعلی صفا که در ۱۳۳۶ هـ ق زمان والی گری پدرش در مازندران کشته گردید و ظهیرالدوله قاتل فرزندش را بخشود .

۴- فروغالدوله که در ابتدا همسر میرزا محمد علیخان قوامالدوله و

سپس بزوجیت شکرالله خان صدری درآمد.

۵- فروغ الملوك وليه صفا ابتدا بزوجیت قروهر دوام السلطنه فرزند قوام الدوله و سپس همسر عطاءالله پالیزی وکیل الدوله کرمانشاهی گردید ولیه صفا از جمله مشایخ پدرش نیز بود .

۶- ملك الملوك همسر غلامحسین قاجار ملقب به عمید الدوله گردید .

ظهیر الدوله در روز سه شنبه ۲۴ ذیقده ۱۳۴۲ ه ق در اثر سگته در باغ جعفر آباد شمیران در گذشت .

ظهیر الدوله در ۱۳۲۹ ه ق انجمن اخوت دیگری در کرمانشاه تأسیس نمود و بعد حاجی داداش (مستشار علی) شیخ صفا امور انجمن اخوت را اداره نمود .

حاجی داداش خود داعیه جانشینی صفا را نمود و شیخ محمود صفائی سنگسری درماندگان و تهران و بصیری در خرم آباد مدعی جانشینی حاجی داداش شدند و پس از درگذشت شیخ محمود صفائی فرزند ارشدش بجای پدر نشست .

انتظام (بینش علیشاه) که از طرف ظهیر الدوله شیخ سلسله و بسرپرستی انجمن اخوت تهران منصوب گردیده بود کسی را بجای خود تعیین نفرمود .

ظهیر الدوله درباره انجمن اخوت نوشته است:

«انجمن اخوت که خاکش بدست ارادت و وفا با آب محبت و صفا عجین و با هندسه اخوت و مساوات عمارت شده نماینده عشق است و محبت و پروراننده انس است و اخوت که همین است غرض اصلی از پیدایش گیتی و آفرینش جهان»

مولوی گیلانی نیز مدعی جانشینی ظهیر الدوله گردید .

ضمناً با میرزا محمود خان و نمازی نیز ارتباط داشته و باب مکاتبه فیما بین برقرار نمود مولوی عباس جافی و حاج محمد را از طرف خود بمقام شیخی تعیین نمود .